

ازدواج موقت یک ضرورت اجتناب ناپذیر اجتماعی است

✿ یک اصل کلی برای مبارزه با مفاسد اجتماعی
✿ مشکل جنسی جوانان - برای حل این مشکل چه
باید کرد؟
✿ فلسفه ازدواج موقت
✿ تکلیف فرزندان «متعّه»

در شماره گذشته سخن باینجا رسید که : برخلاف آنچه گردانندگان یکی از مجلات مبتذل و بی هدف و پاره‌ای افرادی - اطلاع دیگر وانمود میکنند «ازدواج موقت» که عوام آنرا «صیغه» میگویند یک جور جواز شرعی آدم فروشی ! نیست ، بلکه ازدواج موقت از نظر ماهیت هیچگونه فرقی با ازدواج دائم جز از نظر محدود بودن مدت ندارد .

یعنی : هر دو بطور یکسان یکنوع قرارداد دو جانبه و ناشوئی هستند که با رضایت کامل طرفین منعقد میگردد و از نظر شرایط طرفین و شروط عقد و لزوم نگهداشتن عده هنگام جدائی از یکدیگر و احکام مربوط بفرزند هیچگونه فرقی میان این دو نوع ازدواج نیست .

از نظر آثار حقوقی نیز فرقی با هم جز در دو مورد (ارث و نفقه) ندارند و این دو مورد هم قابل جبران یا قابل تغییر است به ترتیبی که در شماره گذشته تشریح گردید .

این نکته نیز روشن شد که سوء استفاده های بعضی از افراد لایبالی که گاهی تنها بنام ازدواج موقت قناعت نموده ، هیچیک از شرایط و قیود آنرا رعایت نمیکنند و درحقیقت فحشاء را باین لباس در- میآوردند ، باعث سوء تعبیرهای فراوانی در این زمینه شده ، ولی بدیهی است این غلط کاریها هیچگونه تأثیری در اصل قانون اسلامی مزبور نمیتوانند داشته باشد .

اکنون بدنبال این بحث توجه فرمائید :

* * *

يك اصل کلی برای مبارزه با مفاسد اجتماعی این يك قانون کلی و عمومی است که اگر بفرائز طبیعی انسان بصورت صحیحی پاسخ گفته نشود برای اشباع آنها متوجه راههای انحرافی میگردد .
 و شاید تمام اصلاحات و انحرافات اجتماعی را بتوان در همین دو جمله خلاصه کرد :
اصلاح اجتماع انسانی یعنی رهبری و اشباع صحیح غرائز و تأمین نیازمندیهای روحی و جسمی .
فساد اجتماع یعنی عدم رهبری و اشباع صحیح آنها ؛
 این موضوع نیز قابل انکار نیست که غرائز و نیازمندیهای طبیعی جسم و جان بشر را نمی- توان از بین برد ، ولی میتوان مسیر آنها را تغییر داد ، بنا بر این برای ریشه کن کردن مفاسد و انحرافات اجتماعی باید قبل از هر چیز انسان و غرائز و نیازمندیهای واقعی روح و جسم او را شناخت و بدنبال شناخت آنها راه صحیحی برای پاسخ گفتن بآن پیدا کرد . بدیهی است هر - گونه اشتباه ، گمراهی ، و عدم توجه در این قسمت سرانجام منجر بیک فساد و بحران اجتماعی خواهد گردید .

مثلاً انسان پس از يك رشته کار خسته کننده خواهان تفریح و سرگرمی است ، تفریح حکم گردگیری و روغنکاری اعصاب خسته و روحهای پژمرده دارد و بدون آن روح انسان نشاط و جلای خود را ازدست میدهد و يك حال خستگی و عصیان جانشین آن میگردد ، این يك ضرورت زندگی است که نسبت مستقیم با مقدار فعالیت های اجتماعی - مخصوصاً فعالیت های روحی - و نسبت معکوس با مقدار سن انسان دارد ، یعنی : هر قدر فعالیت زیادتر باشد و سن کمتر این نیازمندی بیشتر احساس میگردد .

حال این سرگرمی مفید و سالم باشد یا زیان بخش و ناسالم ، از این نظر برای اوفرق

نمیکند و باین ترتیب اگر این واقعیت را درست درک کردیم و از راه فراهم نمودن وسائل تفریح و سرگرمی سالم باین نیازمندی طبیعی پاسخ گفتیم چه بهتر ، و الاپناه بموضوعات دیگری مانند قمار ، هرزگی ، مواد مخدره و هزار بلای دیگر میبرد .

* * *

مشکل جنسی جوانان

اکنون این اصل کلی را در مورد غریزه جنسی که بعقیده بسیاری از روانکاوان نیرومندترین غرائز انسان یا لااقل یکی از نیرومندترین آنهاست بررسی میکنیم .

بارها جوانان این موضوع را بما اظهار داشته اند که بعقیده آنها جوانان پاکدامن و باایمان مخصوصاً در اجتماعات کنونی از نظر امور جنسی در یک بن بست لاینحلی قرار دارند ، و از ما میپرسند آیا بعقیده شما راه حلی می توان در این قسمت پیدا کرد ؟

یک مطالعه دقیق نشان میدهد که مشکل جنسی جوانان پاکدامن ، بسیار جدی و قابل مطالعه است ، زیرا از یک طرف عدم تمکن مالی اکثریت قریب باتفاق جوانان و مخصوصاً نوجوانان در برابر هزینه کمر شکن زندگی ، و از آن بالاتر موضوع ادامه تحصیل که غالباً تا سن ۲۰ و ۲۵ سالگی طول میکشد و دوران طفولیت غریزه سرکش جنسی را بطور کامل فرامیگیرد ، با آنها اجازه ازدواج و تشکیل خانواده نمیدهد .

و از طرف دیگر پارسمای مطلق و نادیده گرفتن این غریزه با آن امواج نیرومند و کوبنده اش که بدبختانه بر اثر مناظر تحریک آمیز مصنوعی کنونی روز بروز شدیدتر میگردد ، غالباً امکان پذیر نیست .

حال چه باید کرد ؟ البته افراد آلوده ، با پناه بردن بمرکز فحشاء بگمان خود این مشکل را حل کرده اند ، ولی باید دید برای افراد پاک و باایمان چه راه حلی میتوان یافت ؟

این مشکل بصورت شدیدتری در مورد دانشجویانی که بخارج میروند خود نمایی میکند ، زیرا اتتهائی ، دوری از بستگان ، و آزادی بی حساب و غلطی که در مورد معاشرت زن و مرد و دختران و پسران جوان در بسیاری از کشورهای اروپائی و آمریکائی وجود دارد ، با توجه بطول مدت تحصیلات عالی در خارج ، ایجاب میکند که بنیازمندی جنسی آنان پاسخ گفته شود .

حتی درباره افراد متأهل نیز مواردی پیش میآید که بحکم ضرورت های زندگی مجبورند بطور مجرد بسرهای چندین ماهه برای تجارت ، مأموریت ، و مطالعات مختلف ، مخصوصاً مأموریت های نظامی ، بروند و در نتیجه ماهها دور از زن و فرزند بسر برند .

مخصوصاً باید توجه داشت اینگونه فعالیت های اجتماعی را غالباً جوانان انجام میدهند ، آنها هستند که باینگونه مسافرتها دست میزنند و با داشتن همسر مدتها از محیط خانواده

دور میمانند .

این یکی از مشکلات زندگی اجتماعی است ، مخصوصاً در اجتماعات امروز آشکارتر
بچشم می خورد .

برای حل این مشکل چه باید کرد ؟

آیامی توان این واقعیتهای روشن را نادیده گرفت و بدست فراموشی سپرد ؟ آیا با جواب-
های سر بالا و جمله های چند پهلو میشود باین سؤال پاسخ گفت و مطالب را ماست مالی
کرد ؟

شما که چشم و گوش بسته و بدون منطق میگوئید «ازدواج موقت یکنوع جواز آدم فروشی
است و مقام زن را پایین میآورد» بفرمائید جواب این جوانان را بدهید ، آیا هرگز در عمر خود برای
حل مشکل جنسی جوانان فکر کرده اید ؟

آیا همه جوانان را می توان بیارسانی مطلق و چشم پوشی از امور جنسی در
بحرانی ترین سنین جوانی دعوت نمود ؟ ممکن است این موضوع برای عده ای از جوانان که
بهره بیشتری از خویشتن داری و تسلط بر نفس دارند عملی باشد ، ولی آیا برای همه
ممکن است ؟ مسلماً نه .

وجداناً بگوئید شما دوران جوانی خود را چگونه پشت سر گذارده اید و یا
اگر الان جوان هستید چه میکنید ؟ !

شما که ازدواج موقت را بنوان «یک جور جواز آدم فروشی» محکوم میکنید خودتان
چگونه عمل کرده اید ؟ ما نمیگوئیم جواب این سؤال را بنویسید ، میگوئیم در پیشگاه وجدان خود
بخود جواب دهید .

آیا با این طرز تفکر ، شماره حلی برای بسیاری از جوانان جز پناه بردن بمراکز
فحشاء دارید ، اگر دارید چرا پیشنهاد نمیکنید ؟

آیا فحشاء و خود فروشی ننگین زن و آن وضع رسوای محله بدنام تهرانتان
و محلات مشابه آن در بعضی شهرستانها ؛ احترام بمقام شامخ زن میباشد و موجب
الغاء بردگی و جواز آدم فروشی است ؟ ، ولی فراموش نکنید اینها آثار جنایت-
های شما و امثال شماست که بجای نشان دادن یک «راه حل مثبت» برای این مشکل

اجتماعی به «منفی بافی» دست زده اید !
آیا شما با مخالفت و ورزیدن با ازدواج موقت (البته ازدواج موقتی که اسلام گفته و شرائط

آن در شماره قبل گفته شده درسم صیغه «که شما میگوئید و افراد بی بندوبار عمل میکنند»
جواز فحشاء را عملاً صادر نفرموده اید ؟

فراندم بزرگه اجتماعی اینست که با استفاده از افکار صاحب نظران برای پیدا کردن راه حل مشکل جنسی جوانان فکری کنید ، و گرنه انتخاب سوژه های سرگرم کننده و داغ که اثر تخدیری دارد برای جمع کردن مشتری و ادامه یك کار و کاسبی مطبوعاتی ، بخدا افتخار نیست .

میگویند : ازدواج موقت ، باید از قانون مدنی ایران حذف شود ، زیرا با روح و اعلامیه حقوق بشر ، سازگار نیست .

ولی ما میگوئیم : این چیزی که نامش را اعلامیه حقوق بشر گذارده اید و هنوز ساده ترین مواد آن (ماده مریوط بالقاء تبعیضات نژادی) در پیشرفته ترین کشورهای باصطلاح متمدن عملی نشده ، در کجای آن نوشته شده ازدواج موقت ممنوع و فحشاء آزاد است ؟ خواهشمند است از این روح اعلامیه حقوق بشر که «احضار» فرموده اید سؤال کنید : مشکل جنسی جوانان را از چه راه باید حل کرد ؟ آیا او هم مثل شما بمنفی بافی دست میزند ؟

* * *

فلسفه ازدواج موقت

اما راه حل این مشکل را پیدا کرده ایم ، ببخشید «ها» که گفتیم اشتباه است ؛ اسلام راه حل این مشکل را نشان داده ، و پیشنهاد میکند که : در اینگونه موارد زن و مردی که بهم علاقه دارند میتوانند بدون اینکه زیر بار یک تمهید دائم برای یک ازدواج همیشگی بروند ، برای مدت محدودی پیمان زناشویی ببندند و در مدت این ازدواج موقت هر قدر باشد (یک روز ، یا یک ماه ، یکسال و یا چندین سال) آنرا درست مانند یک ازدواج دائم محترم بشمرند و زن حریم زوجیت را حتی پس از پایان مدت و جدائی با نگه داشتن عده (اقلاً ۴۵ روز و در مرتبه قاعده شدن) رعایت نماید .

بدیهی است با چنین ازدواجی مانند با ازدواج دائم بردوش انسان سنگینی نمیکند و طرفین میتوانند با سانی بان تن در دهند ، زیرا از طرفی همسر این ازدواج ، شریک همیشگی زندگی نیست تا زن و مرد در انتخاب آن سختگیری زیاد بعمل آورند ، و از طرف دیگر نفقه رسماً در این نوع ازدواج وجود ندارد ، تنها «مهریه» است که مقدار آن باختیار طرفین

گذاشته شده .

بعلاوه ازدواج موقت در دسر و کشمکشهای طلاق را (بفرض عدم سازش) ندارد بلکه با خاتمه یافتن «مدت» عمر آن تمام میشود ، حتی مرد میتواند باقیمانده مدت را ببخشد و از حق خود صرف نظر کند و اذن جدا گردد ، و در صورت تمایل طرفین به تمدید ، با سانی قابل تمدید است .

اینجاست که ما میگوئیم ازدواج موقت يك حربه مؤثر اجتماعی برای مبارزه با فحشاء و بسیاری از انحرافات جنسی است و میتواند تمام یا قسمت عمده مشکل جنسی جوانان را حل کند .

ولی در اینجا يك نکته مهم و اساسی وجود دارد که باید کاملاً بآن توجه داشت و آن اینکه : این برنامه در صورتی نتیجه مطلوب و مثبت را خواهد داد که بطرز صحیح اجرا گردد و مانند ازدواج دائم نظام خاصی داشته باشد و تحت انضباط قرار گیرد باین معنی که پس از اجراء عقد ، مشخصات زن و مرد در دفاتر مخصوص قید شود و عقدنامه ازدواج موقت (که الان هم در دفاتر اسناد رسمی موجود است و کمتر از آن استفاده میشود) تنظیم گردد ، باین ترتیب پیش از گذشتن مدت عده (طبق عقد نامه ای که بدست زن داده شده) ازدواج دیگری صورت نخواهد گرفت .

باید سازمانی برای نظارت بر این موضوع تشکیل گردد ، و این سازمان علاوه بر نظارت باید راهنمائیهای لازم را بطرفین نیز بکند ، یعنی بآنها میفهماند که پس از اجراء عقد برای مدت معینی همسر یکدیگر خواهند بود و بیکدیگر تعلق خواهند داشت و باید اصول زناشویی را محترم بشمارند .

مسئله اگر این مسئله بصورتی که در بالا گفته شد عملی گردد فحشاء جز برای افراد لا - ایالی و کاملاً بی بندوبار برچیده خواهد شد ، و در چنان شرائطی نهنن احساس حقارت و سر - شکستگی میکند ، و نه مرد خود را مالک و خریدار زن میدانند ، و نه از نظر اجتماع ، این کار و هن آمیز و موجب تنفر خواهد بود ، بلکه مانند ازدواج دائم يك امر عادی و خوب تلقی خواهد شد .

آیا راستی این حکم عالی ، یکجور جواز شرعی آدم فروشی است ؟ ، ولی آنها که بانداشتن هیچگونه نه صلاحیت میل دار ندر همه چیز دخالت کنند و مسائل دقیق اجتماعی و مذهبی را بصورت يك سوژه جنجالی در آورده و بکار و کاسبی نامشروع خود از این راه ادامه دهند ، جز این

پریشان گوئیم سخن دیگری نخواهند داشت .

اما اگر مسئله ازدواج موقت از محور اصلی خارج گردد و هیچیک از قیود و شرائط آن رعایت نشود همان جواز آدم فروشی خواهد بود (اما نه جواز شرعی) اینچنین «رسم صیغه» را افرادمانندش مادم کرده اند ، و این ، با فحشای شما هیچ فرقی ندارد و نسخه بدل همان پدیده کثیف اجتماعی است که شما بارمانهای آلوده و عکسهای تحریک کننده و راهنمائیهایی غلط خود آنرا ترویج میکنید !

* * *

تکلیف فرزندان «متمعه»

تنها یک سؤال باقی میماند و آن اینکه : تکلیف فرزندان آنکه که ثمره چنین ازدواجی هستند چیست ؟ آیا بچه های صیغه سرگردان و بلا تکلیف نخواهند شد ؟

پاسخ این سؤال با توجه بمطالب فوق کاملاً روشن است : فرزندان آنکه که ثمره ازدواج موقت هستند هیچگونه فرقی با فرزندان ازدواج دائم ندارند و مشمول تمام حمایتهای شرعی و قانونی خواهند بود مخصوصاً بابت مشخصات طرفین در دفاتر مخصوص نسرگردانی بوجود میآید نه بلا تکلیفی .

اینهم ناگفته نماند که از نظر قوانین اسلامی هیچ مانعی ندارد طرفین اگر مایل بداشتن فرزند نباشند با وسائلی از انعقاد نطفه جلوگیری نمایند و از این نظر آزادی مورد نظرشان را در اینگونه موارد تأمین کنند .

فعلاً این بحث را بهمین جا خاتمه میدهیم و در فرصت دیگری نیز در این زمینه بحث خواهیم کرد .

تا میتوانید مشهور نشوید !

عن ابی عبد الله علیه السلام قال : ان قدرتم ان لا تعرفوا

فافعلوا وما علیک ان لم یثن الناس علیک وما علیک ان

تكون مذموماً عند الناس اذا كنت محموداً عند الله

تبارک و تعالی .

امام صادق (ع) فرمود : اگر قدرت داشته باشید که مشهور نشوید همین کار را بکنید ، بر تو باکی نیست که مردم تو را ستایش نکنند و بازم بر تو باکی نیست که پیش مردم نکوهیده باشی در حالیکه نزد پروردگارتوده ای .

(الروضة من الکافی ج ۱ صفحه ۲۴۳)